

نگاه

## ۲۶

**می‌گویند قانون حجاب، اجباریه دین است، درحالی‌که خداوند صریح گفته لااگره فی‌الدین.**

پاسخ آن است که اتفاقا لااگره فی‌الدین بهترین توضیح برای چرایی قانون حجاب است. لااگره فی‌الدین یعنی آزادی انسان‌ها را دین پاس می‌دارد. خیلی هم عالی. حالا بفرمایید کدام قانون را در جامعه پیاده کنیم تا آزادی مردم عادلانه به بیشترین مقدار ممکن برسد؟ اگر آزادی یک عده خاص را می‌گویید که حکومت فرعونی هم آزادی‌خواه بود.ان فرعون علاقی الارض. آزادی ضربدر خودخواهی یعنی آزادی یک عده خاص و ظلم به جماعت بسیار دیگر. آن قانونی که در جامعه سرانه آزادی را به بیشترین مقدار ممکن برساند، کدام قانون است؟ آیا یکی از چالش‌های مهم تمام‌قانون‌نویسان امروز دنیاست. چه قانون را امر جعلی بدانیم که نیاز به قانونگذار داشته باشد چه امر کشفی بدانیم که نیاز به رسمیت‌دهنده داشته باشد، سوال این است که چگونه می‌توان به محتوای قانونی رسید که آزادی مردم را عادلانه به بیشترین مقدار ممکن برساند و جلوی ضرر انسان‌ها به یکدیگر را بگیرد.
من لااگره فی‌الدین را در کنار لاضر فی‌الاسلام می‌فهم. قصه روایت مهم لاضر فی‌الاسلام را بشنیداید؟ داستان آن مردی که برای استفاده از درخت خود که در خانه دیگری بود، بدون اجازه وارد خانه آنها می‌شد و باعث مزاحمت خانواده‌شان، پیامبر(ص) تلاش کرد مانع چنین ضرری شود و وقتی شخص زیر بار نرفت، درخت آن خشک شد و هنجار اجتماعی خارج شود. اینها در ادامه فرمود لاضر و لاضرار فی‌الاسلام. حضرت امام می‌گوید این جمله یک سیاست مهم حاکمیتی است. سبک حکومت باید به‌گونه‌ای باشد که جلوی ضررزدن انسان‌ها به یکدیگر را بگیرد.

کسانی که دستورات دین را در جامعه رعایت نمی‌کنند یعنی هنجارهای دینسی را به‌لحاظ اجتماعی ضعیف و کم‌ارزش می‌کنند. بای‌اعتنایی‌شان باعث می‌شوند اساسا دین از وضعیت ارزش و هنجار اجتماعی خارج شود. اینها عملا دارند به دیگران ضرر می‌زنند.این غیراز عمل نکردن به یک فرع قهقی است. این بی‌ارزشی کردن بی‌خاصیت کردن فروع‌ات دینی در جامعه است و وقتی هنجارهای اجتماعی را بی‌ارزش کنیم، عمل به دین را سنسخت می‌کنیم و این یعنی ضرر به دیگران؛ ضرر به جوانان و نوجوانان و نسل آینده که باید تربیت شوند؛ ضرر به کسانی که می‌خواهند از این هنجارها استفاده کرده و رشد کنند. این به‌زور بردن دیگران به جهنم است. معلوم است که کل جامعه نسبت به این مقوله باید حساس باشد و جلوی آن را بگیرد. معلوم است که حکومت باید نسبت به این مقوله حساس باشد و جلوش را بگیرد.

البته امروز مقوله حجاب ماجرایش خیلی متفاوت هم شده است. امروز این مقوله آن سدی است که دشمن تلاش می‌کند بشکند تا اقتدار حاکمیت بشکند. تا احساس ناامیدی در متدینین جدی نشود. تا احساس استقلال و هویت را از بین ببرد.
تمرکز دشمن در این نقطه نشان می‌دهد مسئله را دیگر نباید فقط با عنوان اولی حجاب مورد توجه قرار داد. اما فارغ از این نکات و حرمت سیاسی کشف حجاب بحث بر سر این بود که شریعت آن قانونی است که درش آزادی انسان‌ها هم به حداکثر ممکن می‌رسد. لااگره فی‌الدین یعنی دین هوای آزادی شما را دارد. هوای آزادی همه را دارد. لاضر فی‌الاسلام نیز همین نکته را درپاره سبک حکمرانی می‌گوید. پس اگر چنین است کسانی که با آزادی‌شان باعث ضرر به دیگران می‌شوند، همین شریعت جلویشان را خواهد گرفت.
بله، در زندگی شخصی و خصوصی‌شان هر خطئی می‌خواهند بکنند، بحث دیگری است. فلسفه جهاد ابتدایی نیز به همین نکته برمی‌گردد. در روابط بین‌الملل کدام قانون و کدام حاکم را باید درنظر بگیریم که جلوی استبداد و ظلم و ضرر به دیگران را بگیریم؟ اگر یک جامعه نخواهد به اینن قانون تن بدهد، باید با او چه کرد؟ آیا او حق دارد به‌دلیل آزادی خود باعث ضرر به دیگران شود. آیا جامعه حق دارد علو فی‌الارض را دنبال کند و به نام آزادی، خود را در وضعیت جنگ با دیگر کشورها قرار دهد؟

## ۲۷

**امراعتقادی را قانون و اجبارکنید، تا تأثیر معکوس دارد. چراغ قرمز امر عقیدتی نیست، قانون شدنش طبیعی است.**

پاسخ: اتفاقا امرعتقادی اگر تبدیل به رفتار فردی و اجتماعی نشود که خطاست.

مثل اینکه شما معتقدید که حرمت بزرگ‌تر را باید نگه داشت، این باور اگر تبدیل به عمل و رفتار اجتماعی نشود و مثلا در رفتار به پدر و مادر، احترام نگذاریم، به اعتقادمان ظلم کردیم.

اگر حجاب را باور داریم که‌الحمدلله‌قابله مردم ما (طبق پیمایش‌های داخلی و خارجی) معتقدند، این برای حکومت اسلامی، مسئولیت ایجاد می‌کند که این باور را تبدیل به قانون و رفتار اجتماعی کند.

بر این اساس شاید مناسب‌تر این باشد که به‌جای حجاب اجباری، بگوییم حجاب قانونی یا حجاب الزامی.

ممکن است کسی اعتقاد به حجاب نداشته باشد، پس او از این قاعده مستثناست؟

روشن است که قانون استثنا نمی‌خورد که اگر بخورد، حرمت قانون شکسته می‌شود و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، چرا که هیچ قانونی را نمی‌توانند پیدا کنند که همه مردم بی‌استثنا آن را قبول داشته باشند. قانون که نمی‌تواند به مشمولان خود اجازه تخلف و انجام جرم بدهد.

# پیرونده

# برداشت‌های اشتباه از حجاب در ایران

نکته‌هایی درباره بدحجابی؛ از گشت‌ارشاد

تا سوءاستفاده‌های سیاسی

## ۲۸

**آیا حجاب واجب است یا اینکه در ایران اجباری است؛ چون در سایر کشورهای اسلامی چنین قانونی نمی‌بینیم؟**

قریب به اتفاق فقها حجاب را جزو ضروریات دین می‌دانند. آیه «قل للمومنات یغضن…» به‌تعبیر اکثر مفسرین مانند طبرسی، علامه طباطبایی، مکارم شیرازی و… باین شأن نزول است که چون زنان پرهیزی می‌پوشیدند که گریبانشان باز بوده‌است، این آیه نازل شده‌است که باید روسری را طوری ببندند که قسمت‌های پادشده، مودور گردن و… پوشیده شود. بعداز نزول این آیات داریم که عایشه زنان انصار را چنین ستایش می‌کرد که «حتی یک‌نفر آنان مانند سابق بیرون‌نماندوسر خود را با روسری مشکی می‌پوشاندند» اما آیا حجاب اجباری است؟ سؤال را باید دقیق کرد. اجبار به چه معنا؟ ما در دین اجبار نداریم؛ نه در اعتقاد و نه در عمل. پس بدین معنا حجاب اجباری نداریم اما حجاب قانونی داریم. تفاوت این دو در این است که فرد مسلمان می‌تواند نماز نخواند و روزه نگیرد، اما در حجاب ماجرا متفاوت است. حجاب برخلاف نماز و روزه، امری فردی و در خلوت نیست و بروز اجتماعی دارد. یعنی فرد می‌تواند اعتقادی به حجاب نداشته باشد اما به جهت اجتماعی نمی‌تواند خلاف قانون عمل کند.دین اختیاری است. مردم می‌توانند دینی که پذیرفته‌اند را عمل نکنند که البته متضمن آثار اخروی است. اما رفتار آنها نباید منجر به ضرر جامعه شود. لذا شرب خمر در خانه یک مرد دارد و در خیابان متضمن ضرر اجتماعی و یک حکم است. جلوگیری از ضرر جامعه در مقابل آزادی و تعرض فرد، از بینات است و در همه جای عالم نیز همین اصل برقرار است.

## ۲۹

**وقتی به جامعه نگاه می‌کنیم می‌بینیم که بد حجاب‌تر شده‌ایم؛ آیا دختران مان نسبت به اوایل انقلاب بی‌تفاوت‌تر شده‌اند؟**

به‌نظر می‌رسد بدحجابی در جامعه ما بد روایت شده است. این روایت نادرست باعث شده واکتشف‌ها به بدحجابی عجیب و غریب باشد. یکی فکر می‌کند بدحجابی در ایران سیاسی است و تلاش می‌کند آن را به براندازی نزدیک کند و دیگری فکر می‌کند بدحجابی در ایران ناشی از کاهش دین‌ورزی است و تلاش می‌کند اهمیت حجاب را منکر شود.

## ۳۰

**من موافق حجابم ولی مخالف حجاب اجباری‌ام**

معنای این جمله این است که من الزام شرعی حجاب را قبول دارم، اما الزام حکومتی آن را قبول ندارم. تفکیک بین این دو الزام چه زمانی ممکن است؟ زمانی که یا شما با یک موضوع کاملا شخصی و فردی مواجه باشید یا اینکه از اساس معتقد باشید که در امور اجتماعی بین الزامات شرعی با الزامات حکومتی تلازمی وجود ندارد. اگر بگویید حجاب امری اجتماعی نیست که معنایش آن تلازمی اساسا موضوع را نمی‌شناسید. اصلا اگر جامعه‌ای نبود بحث حجاب مطرح نبود. پس بحث در موضوعی اجتماعی است. حالا آیا در موضوعات اجتماعی اجراءشدن قوانین شریعت نیاز به ورود حاکمیتی دارد یا نه؟ حرکت جامعه به سمت آخرت و سعادت اخروی باعث رشد و آبادانی دنیوی هم می‌شود. باین توضیح اگر کسی

در خلاف این جهت جامعه عمل کند، جامعه را به سمت جهنم و بدبختی و ضرر سوق می‌دهد و باعث ضرر دنیوی هم می‌شود. قانون شریعت، دستوراتش آزادی باظرت. آن دناای کل و علق برتر قانونی را فرار می‌دهد که درش عادلانه آزادی بین مردم پخش شود. پس اگر کسی قوانین دین را زیر پا بگذارد، عملا به آزادی دیگران ضربه می‌زند. جامعه‌ای که قالب جمهوری اسلامی را می‌پذیرد یعنی هم می‌خواهند مردم خودشان حاکم باشند و هم می‌خواهند براساس دین و عقاید توحیدی‌شان تصمیم بگیرند. خلاصه آنکه آنان که جمله من موافق حجابم ولی مخالف حجاب اجباری‌ام را می‌گویند، در واقع دارند پرچم سکولاریسم در ساخت عمل را بلند می‌کنند و در واقع می‌گویند من موافق حجبم و مخالف حجابم یا من موافق حجاب اجباری‌ام و مخالف حجاب اجباری‌ام.

## ۳۱

**نتیجه این حرف چیست؟**

بدحجابی در جامعه نه منشأ سیاسی دارد و نه منشأ دینی. بدحجابی در ایران می‌تواند منشأ فردی، عرفی، گرای، راحتی، زیبایی‌پسندی ودها دلیل دیگر داشته باشد.

## ۳۲

بدحجابی در جامعه نه منشأ سیاسی دارد و نه منشأ دینی. بدحجابی در ایران می‌تواند منشأ فردی، عرفی، گرای، راحتی، زیبایی‌پسندی ودها دلیل دیگر داشته باشد.

این هم از آن حرف‌های درست ولی ناقص است.

بله، حمما یکی از عوامل بی‌حجابی، وضعیت معیشت است، ولی تنها عامل نیست و الا با یک نگاه ساده هم می‌توان

تأیید کرد که بی‌حجابی در بالاشره‌ر از پایین شهر بیشتر است. پس عوامل مهم‌تر ی هم وجود دارد.

در یک تحلیل عمیق‌تر شاید بتوان در همان اقشار ضعیف هم به عامل دیگری برای بی‌حجابی دست پیدا کرد. مثلا اینکه بی‌حجابی را باکلاسی می‌دانند یا اینکه تقیدات مذهبی‌شان کمتر است. پس خلاصه‌کردن عامل بی‌حجابی عده‌ای در وضعیت معیشتی صحیح نیست. البته اولویت مسئولان کشور، حمما باید بهبود وضعیت معیشت مردم باشد و برای این مسئله، شب و روز نداشتن باشند، اما همانطور که گفته شده، نباید اهمیت یک مسئله، مسائل دیگر را به حاشیه ببرد.

## ۳۴

**حجاب مانع موفقیت‌زن در جامعه است، چون در عمل، حجاب، زن را محدود می‌کند.**

خدا رحمت کند شهید مطهری را با آن جمله حکیمانانه‌اش که گفت: «حجاب مصونیت است نه محدودیت».

شما اگر کم‌رند ایمنی می‌بندی که آسیب‌نبینی، محدودیت است؟!

اگر زن یا چهره انسانی خود و نه جذابیت‌های زائله خود وارد جامعه شود، محدودیت است؟!

اگر زن زمین‌نگاه‌های آلوده به خود را از بین ببرد، خود را محدود کرده است؟!

در کلاس درسی که پسر و دختر به جای تمرکز روی کسب علم و حرف استاد و معلم، حواسشان به مدل مو، ناخن و تیپ ظاهری هم پرت شود، پیشرفت علمی رقم می‌خورد؟! این همه خانم محجبه موفق در حیطه‌های مختلف از ورزشکار و مجری و دانشمند و استاد حوزه و دانشگاه و هنرمند و کارگردان و فعال سیاسی اقتصادی و… همگی شاهد بر این حرف است. اسامی‌شان را یک‌بار در اینترنت، جست‌وجو کنید.

## ۳۵

**ریشه بی‌حجابی، فقر مردم است، معیشت مردم را درست کنید، حجاب خود به خود حل می‌شود.**

این هم از آن حرف‌های درست ولی ناقص است.

بله، حمما یکی از عوامل بی‌حجابی، وضعیت معیشت است، ولی تنها عامل نیست و الا با یک نگاه ساده هم می‌توان تأیید کرد که بی‌حجابی در بالاشره‌ر از پایین شهر بیشتر است. پس عوامل مهم‌تر ی هم وجود دارد.

در یک تحلیل عمیق‌تر شاید بتوان در همان اقشار ضعیف هم به عامل دیگری برای بی‌حجابی دست پیدا کرد. مثلا اینکه بی‌حجابی را باکلاسی می‌دانند یا اینکه تقیدات مذهبی‌شان کمتر است. پس خلاصه‌کردن عامل بی‌حجابی عده‌ای در وضعیت معیشتی صحیح نیست.

البته اولویت مسئولان کشور، حمما باید بهبود وضعیت معیشت مردم باشد و برای این مسئله، شب و روز نداشتن باشند، اما همانطور که گفته شده، نباید اهمیت یک مسئله، مسائل دیگر را به حاشیه ببرد.



## ۳۶

**اگر قانون حجاب را نخواهیم چه باید کرد؟ مشروعیت این قانون از کجاست؟**

اگر بحث درون دینی نکنیم، با منطق دمکراسی و حقوق بشری نیز قانون مشروعیتش را از رعایت مصلحت اکثریت می‌گیرد. یعنی لقیبت به حکم اخلاقی و عقل لازم است حق اکثریت رعایت‌کننده قانون حجاب بر مبنای مصلحت مسلمین نوشته شده‌است. می‌گویند چه کسی گفته فرافکران حجاب اکثریتند؟ فراندوم بگذاریم. از فراندوم هرسی نیست اما منطق این بحث ایراد دارد. انتخاب دین اختیاری است اما انتخاب اجزای دین اختیاری نیست. یعنی یک جامعه می‌توانند اسلام را آری کنار بگذارند و البته در قیامت حساب پس می‌دهند اما اجزای دین را نمی‌شود به رای گذاشت. انتخاب ملت ایران نیز اسلام است. مهم‌ترین شاهد نیز فراندوم ابتدای انقلاب است که به اسلام در قالب مدل اجرایی جمهوری اسلامی رأی دادند.

## ۳۷

**مفسدین اقتصادی را رها کردید وغدغه‌تان شده بر خورد بایبی حجاب؛ این کاریکاتوره.**

گویا این شبهه، مشکل اعتقادی با الزام و قانونی شدن حجاب ندارد، اشکال را هبردی می‌کند. گویا اولویت‌های پرداخت به مسائل کشور جابه‌جا شده است! باید دقت کرد مسائل، در گذر زمان دارای ابعاد جدیدی می‌شوند و به تبع وزن و اهمیت آنها تغییر می‌کند. مثلا فوتبال زمانی فقط یک ورزش بوده، نهایتا یک آثار اقتصادی‌ای هم به‌دنبالش بوده، اما امروز ما با پدیده صنعت فرهنگی اقتصادی و حتی سیاسی فوتبال روبرو هستیم. در مورد حجاب اگر به صدر اسلام تا به حدود ۲۰۰سال قبل برگردیم، با یک حکم فرعی شرعی صرف که عموم زنان مسلمان هم به‌صورت طبیعی آن را رعایت می‌کردند، روبرو هستیم. ما ۲۰۰سال قبل و یا حمله همه‌جانبه کشورهای استعمارگر به ممالک مستضعف سر تا سر دنیا و مشخصا به کشورهای اسلامی، مسئله حجاب، دارای ماهیت دیگری شد. طولانی‌کنیم، حجاب امروز دیگر آن حکم شرعی فرعی نیست، مانع اصلی تحقق نقشه‌های دران جهانی است. اهمیت آن در این حد است که آن خانم هم به‌درستی آن را «بیوول برلین» نام می‌گذارد که اگر فروریزد همه‌چیز به‌دنبال آن خراب می‌شود. روشن است این به‌معنای عدم‌برخورد با مفسدان اقتصادی که نیست، حتی برخی بی‌حجابی‌ها ممکن است عامل اقتصادی هم داشته‌باشند. اما نباید اولویت یک مسئله، مسائل دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد. به همین جهت است که شما که به‌دنبال مجازات اختلاسگران بزرگ کشور به‌درستی هستید، اگر امشب به خانه‌تان باز دزد، بزه‌بند، به‌دنبال مجازات این دزد هم برمی‌آید.

## ۳۸

**چرامی‌گویید ترویج بی‌حجابی پروژه دشمن و هدف از کشف حجاب براندازی نظام است؟**

ما پیش‌تر نیز با پدیده بی‌حجابی مواجه بوده‌ایم. اما بدحجابی در تاریخ جمهوری اسلامی اگر چه یک نقص محسوب می‌شود، برآمده از بی‌حجابی و خدای ناکرده بی‌عفتی نیست؛ برآمده از غرب‌پسندی‌های عرفی گرایانه است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب تأکید داشتند بدحجابی یک نقص است اما معیار نهایی برای قضاوت افراد نیست. چه‌ساده‌دختران بدحجابی که نمی‌توانند و هم اهل معنویت، هر چند گرفتار این خطا باشند.

## ۳۹

**حجاب یک امر اختیاری است. بی‌حجاب و باحجاب باید آزاد باشند و مردم باید خودشان انتخاب کنند**

این حرف ظاهر فشنگی دارد اما فراتر دیگری از تقلیل خشن با دمکراسی است. چرا؟ یا به دلیل جهت‌اول ایستادن مقابل قانون است. قانون کشور حکم می‌کند حجاب رعایت‌شود! اخیرا یک حرف جدیدی باب شده‌است که «حجاب قانونه که باشه؛ قانون غلط چرا باید اجراء بشه؟» پاسخ این است که فرض کنیم غلط باشد، اشکال قانون را نمی‌توان با بی‌قانونی حل کرد! اصلاح قانون باحجاب رفع‌شود. مثل اینکه کسی بگوید من چراغ قرمز را قبول ندارم و از چهارراه رد‌شود، همه‌چیز دست خود مردم است. تلاش‌کنند حجابی‌های بی‌یولرد که فلان قانون را اصلاح کنند. عبور از چراغ قرمز فقط قانون شکنی نیست، تعرض به حقوق مردم است. ممکن است بگویند «مگه زمان رضاخان قانون کشف حجاب نبود؟» پس چرا مقابله کردید؟ یا پاسخ خیلی روشن است. از قانون مهم‌تر چیست؟ اراده مردم. اراده این مردم اسلام است. طبیعی است که اگر حکومتی خلاف اسلام قانون تعیین کند، تاب‌نیاروند. سخن سراراده اکثریت مردم است. همه‌چیز مردمند. قانون حجاب با قانون کشف حجاب یک تفاوت عمیق و البته ساده دارد. قانون کشف حجاب قانون برآمده از دیکتاتوری بود ولی قانونی حجاب برآمده از مردم است. رضاخان با دیکتاتوری مقابل دین مردم ایستاد، مردم هم ایستادند. معمولا به اینجا که می‌رسیم گفته می‌شود حجاب اختیاری است؛ موسی به‌دین خود و عیسی به‌دین خود حرف‌اشکالی قانونی است ولی یک دیکتاتوری عمیق درونش نهفته است. این حرف ایستادن مقابل اکثریت است. چرا؟ چون فارغ از تقلیل قانونی، یک حرف مهم‌تری وجود دارد و آن تقلیل با دمکراسی و جمهوریت است. تقلیل با مردم است. ایستادن مقابل اراده دینی مردم است. کشف حجاب تعرض به حقوق اکثریت است که فراتر از تعرض به قانون است. هرچند دقیق‌تر که توجه کنیم تعدی به قانون همان تجاوز به حقوق اکثریت است؛ چرا؟ تعرض و دست‌رازی است؟ چرایی را درمست‌بینید؛ اینطور وانمود می‌کنند که مخالفت با کشف حجاب به جهت تحریک مردهاست. می‌گویند «خب مردم تحریک نشوند.» این حرف برای تنزل دادن مسئله است. البته قواعد طبیعی و غریزی سرچای خودش قرار دارد و دستوری نیست، ولی علت اصلی این دست‌مسائل نیست.

نکته

## ۴۰

**اگر زن‌ها حجاب نداشته باشند بعد از مدتی بی‌حجابی عادی می‌شود، مانند کشورهای غربی. بنابراین، نگاه مرد‌ها هم عادی و بدون قصد ریه می‌شود.**

در جواب باید گفت که آنچه خداوند به آن دستور داده، پوشش در برابر نامحرمان است و آنچه از آن نهی کرده، نگاه به نامحرمان است. رعایت‌نکردن این امر نونهی، نافرمانی و مصداق گناه است و عقوبت را به‌دنبال خواهد داشت چه بی‌حجابی و نگاه به نامحرم، عادی شود چه نشود. همچنین چگونه می‌توان تضمین کرد که با رواج بی‌حجابی قوه شهوتی کنترل می‌شود؟ زیرا قوه شهوتی از قوایی است که سیرشدنی نیست و اگر چنین بود، می‌بایست تجاوز و بی‌عفتی در کشورهای بی‌حجاب دیده نشود، در حالی‌که چنین نیست. منظور از اینکه نگاه عادی می‌شود، چیست؟ ممکن نیست که مرد از دیدن زنی با بدن نیمه‌برهنه لذت نبرد، چون غریزه شهوت همیشه همراه انسان است. دستورات اسلام بیشتر جنبه پیشگیری از گناه دارد. بنابراین، به‌زن‌ها دستور پوشش و به مردها دستور نگاه‌کردن را می‌دهد. کسی که نگاه نمی‌کند، دچار مرض‌های روحی بعدی نمی‌شود.

فلسفه عفت و پاکدامنی و فلسفه حجاب و پوشش اسمی، پدیده مکتوم و پنهانی نیست زیرا برهنگی زنان که طبعا پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن را همراه دارد، مردان مخصوصا جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌شود. مگر اعصاب انسان چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند، مگر همه پزشکان روانی نمی‌گویند هیجان مستمر عامل بیماری است؟ مخصوصا توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مگر بار جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته‌اند هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان است. آیا دامن‌زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعلهور ساختن آن باری با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است؟ اسلام می‌خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این یکی از فلسفه‌های حجاب است. آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش آزادی‌های افسارگسیخته در جهان آمار طلاق و ازهم‌گسختگی زندگی زناشویی در دنیا و در ایران خودمان به‌طور مداوم بالا رفته است، چرا که «هر چه دیده‌بیند، دل کند یاد» و هرچه «دل» در اینجا یعنی هوس‌های سرکشنی خواهد به هر قیمتی باشد به‌دنبال آن می‌رود و به این ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید. در محیطی که حجاب است و عفت و پاکدامنی، دوهمسر تعلق به یکدیگر دارند و احساسات و عشقتشان مخصوص یکدیگر است ولی در «بازار آزاد برهنگی و عرفانی» که عمل‌آنان به‌صورت کالای مشتری (لااقل در مرحله غیر امیزش جنسی) در آمده‌اند، دیگر قداست پیمان زناشویی نسبی خود را از دست می‌دهند و خالوفا هم‌چون تار عنکبوت از هم پاشیده می‌شوند و کودکان بی سرپرست می‌مانند. گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزند نامشروع، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌عفتی و بی‌حجابی است. فکر می‌کنیم نیازی به ارقام و آمار ندارد و دلایل آن خصوصا در جماعت غربی کاملاً نمایان است؛ انعقد عیان است که حاجتی به بیان ندارد.

نمی‌گوییم عایل اصلی فحشا و فرزند نامشروع منحصر بای حجابی است، نمی‌گوییم مسائل استعمار و مسائل سیاسی مخرب در آن مؤثر نیست بلکه می‌گوییم یکی از عوامل مؤثر آن مسئله بدحجابی و بدبیرون است. این هتنگی است که نشوید در دنیا می‌آید و هتنگی‌کی که می‌شویم جمعی از دانشمندان انگلیس در این رابطه به مقامات آن کشور اعلام‌خطر کرده‌اند، نه به‌خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی بلکه به‌خاطر خطراتی که فرزند نامشروع برای امنیت جامعه به‌وجود آورده‌اند به‌گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای جنایی پای آنها در میان است به اهمیت این مسئله کلامایی می‌بریم که مسئله گسترش فحشا حتی برای آنها که هیچ اهمیتی برای مذهب و برنامه‌های اخلاقی قائل نیستند فاجعه‌آفرین است و لذا نباید بهوش بود و دست‌های از خائن که به بی‌عفتی جامعه دامن می‌زند شناخت و جلوی آن را گرفت. انتهایی که می‌گویند اگر جمهوری اسلامی روابط زن و مرد را آزاد بگذارد، مردم چشم و دل سیر می‌شوند و هیچ اتفاق بدی نمی‌افتد! برای اینکه ما میزان چشم و دل سیر می‌کنیم جامعه آزاد و پیشرفته به نام آمریکا آشنا شویم کافی است به وضعیت کشور آمریکا دقت کنیم:

- بنابر گزارش بخش مبارزه با جرائم و مواد مخدر سازمان ملل، نرخ تجاوز در آمریکا و کشورهای اسکندنیای و غرب اروپا، بالاتر از دیگر نقاط جهان بوده است.

- طبق آمار منتشرشده توسط مرکز ملی خشونت جنسی در آمریکا، ازین از هسر ۷۵ن در آمریکا تجربه‌مورد تجاوز یا در معرض تجاوز قرار گرفتن داشته‌است. همچنین براساس این آمار، از هر ۴ دختر، ۳ رها هر عیسر، یک پسر، پیش از ۱۸سالگی، در معرض سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرد.

- ۲۹٫۹ درصد از تجاوزات جنسی بین سنسین ۱۱ تا ۱۷سالگی قربانیان رخ می‌دهد.
- ۸۰ درصد از تجاوزهای صورت گرفته توسط کسانی بوده‌است که قربانیان آنها را می‌شناخته‌اند.
- از هر ۵ دانشجوی زن، یک نفر در طول دوران تحصیل خود، در معرض تعرض جنسی قرار گرفته‌است. آزادی روابط جنسی گناه و در هیچ جامنجر به کاهش یا کنترل غریزه و روابط جنسی نشده است و وضعیت کنونی غرب گویای این موضوع است. روند آزادی روابط جنسی در غرب باعث شده که از روابط جنسی قانونی در خانواده، به همجنس‌بازی، تجاوز و رابطه با محارم، حیوانات و… برسد.

- احمدی رهبر شاخه ایرانی پ.ک. که ک (پژاک) که شعار زن زندگی آزادی را ترویج کرده، بهسه دخترش تجاوز کرد و باعث خودکشیی او ششد. نمونه‌های تاأسف‌بار روابط جنسی همسران ایسن هرکدک بنا دختران عضو Future The and Turky of the Kurds را می‌خوانید.
- دستگاه منلقبن نیز که این روزها سرمدمار مطالبه آزادی زنان بود، کارنامه سیاهی در سوءاستفاده جنسی از دختران این فرقه توسط مسعود رجوی و رهبران آن دارد. بررسی آمار سقط‌جنین نیز که ناشی از روابط بی‌قیدوبند و همچنین افزایش تجاوز به عتف است گویای این ماجرا است.
- با وجود ممنوعیت سقط‌جنین در آمریکا نسا سال۱۹۷۳

- این رقم به ۶۰۰هزار سقط در سال رسیده بود، پس از آزادی سقط جنین در سال ۱۹۷۳ و با وجود گسترش قرص‌های ضدبارداری و بسیاری از روش‌های مؤثرتر و پرهزینه‌تر پیشگیری از بارداری در دهه ۲۰۰۰ میلادی که دسترسی به آن حتی برای دختران کم سن و سال بدون اجازه والدین بسیار ارزان و آسان شد، انتظار می‌رفت که تعداد سقط‌جنین در همان سطحی که در سال ۱۹۷۳ بود باقی بماند. اما این رقم طبق حدود ۱۰ سال، در سال ۱۹۸۵ به نزدیک ۶٫۱ میلیون سقط در سال رسید.

## همیشه‌ری